فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۱(۲(پیاپی ۴۲))، ۳۰-۱۵
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۸۷۰-۲۳۴۵

ارتباط توسعه اقتصادی– اجتماعی شهرستان‌های استان کرمانشاه با بودجه دولتی طی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه

محمد فرهادی* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

ندا میری دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

چکیده: دستیابی به توسعه پایدار، هدف غایی و نهایی تمامی‌سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها می‌باشد. یکی از دغدغه‌های مهم تصمیم‌گیران، کاهش شکاف توسعه میان مناطق و برقراری عدالت بین نواحی مختلف کشور می‌باشد. در کشور ما نیز برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاسی در مرکز و استان‌ها طی سال‌ها کوشیده‌اند تا به زعم خود شکاف توسعه میان مناطق مختلف را به حداقل برسانند، با این وجود شواهد بیانگر نبود توازن‌های منطقه‌ای در کشور است. پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش تاکسونومی عددی، شهرستان‌های استان کرمانشاه را در سال‌های ابتدایی (۱۳۹۶) و انتهایی (۱۴۰۰) برنامه ششم، به لحاظ سطح توسعه، درجه‌بندی کرده است. هدف تحقیق حاضر آن است که بررسی کند آیا اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان‌های استان مذکور منجر به بهبود سطح توسعه‌ای آنها در طول برنامه ششم توسعه گردیده است و آیا سیاست‌های دولت در زمینه توزیع منابع، کارا عمل کرده یا ناکارا و تشدیدکننده توسعه نامتوازن بوده است؟ نتایج حاکی از آن است که در تمامی سال‌های موردبررسی، هر ۱۴ شهرستان به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی جزو مناطق محروم و بسیار محروم طبقه‌بندی می‌شوند. درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، در سال‌های ابتدایی و انتهایی برنامه ششم بیانگر آن است که جایگاه شهرستان‌های استان به لحاظ رتبه توسعه‌یافتگی (به استثنای شهرستان کنگاور) تفاوت بارزی در طول سال‌های برنامه ششم توسعه نداشته است. به عبارتی، اعتبارات دولتی در طول برنامه ششم به بهبود درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان منجر نگردیده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه متوازن، بودجه دولت، شهرستان‌های استان کرمانشاه

* نویسنده مسئول: m.farhadei@gmail.com

۱- مقدمه

توسعه منطقه‌ای و متوازن از دهه ۶۰ میلادی به گفتمان غالب در کشورها تبدل شده و باعث تحولات بزرگ در مناسبات سیاسی و اقتصادی گردیده و سامان حکومت و اقتصاد را مورد بازاندیشی قرار داده است (Pike et al., 2006). گفتمان سیاست‌های اخیر غالباً بر پویایی توسعه منطقه‌ای استوار است؛ زیرا در جوامع درحال‌رشد محورهای توسعه و اقتصاد درهم آمیخته‌اند و اهمیت رقابت محلی، یکی از عوامل اساسی رشد محسوب می‌شود (Plummer et al., 2014). نابرابری‌های بزرگ منطقه‌ای به‌طور معمول، تهدیدات جدی علیه ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها محسوب می‌شوند. در اغلب موارد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی سبب به‌وجود آمدن اختلافات قومی، نژادی، فرهنگی و مذهبی می‌شوند. از آن‌جا که بیشتر کشورهای بزرگ با چنین اختلافاتی مواجه هستند، دولت‌هایی که این کشورها را اداره می‌کنند ضروری است تهمیداتی بیاندیشند تا این اختلافات را کاهش دهند و به‌حداقل برسانند. بدون تردید کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای هدف و سیاست اصلی بیشتر دولت‌ها به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه است؛ زیرا میزان نابرابری‌ها در این کشورها دو تا شش برابر بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد (Shankar & Shah, 2009). با رواج پدیده توسعه نامتوازن و تشدید عدم‌تعادل‌های منطقه‌ای دیدگاه‌های انتقادی توسط افرادی چون فرانک[1]، پربیش[2]، فورتادو[3] و ... در این خصوص مطرح گردید. این دیدگاه‌ها به‌جای رشد و کارایی، اولویت را به عدالت در توزیع می‌دهند و بدین ترتیب به نقش دولت برای توزیع عادلانه تأکید می‌ورزند. فورتادو (۱۹۶۴) اقتصاددان و نظریه‌پرداز معروف برزیلی در کتاب «توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی» بیان می‌کند که در کشورهای توسعه‌نیافته حجم اندک گستره بازارهای داخلی، امکان تکوین سرمایه و انباشت آن را با مانع روبه‌رو خواهد ساخت و به همین دلیل وی بر نقش دولت به منزله ابزاری برای مقابله با تنگناهای ساختاری تأکید می‌ورزد. شایان ذکر است نقش دولت به‌عنوان ابزاری برای پایان دادن به عدم‌توازن منطقه‌ای، باید همراه با اتخاذ سیاست و تعیین اولویت‌های درست باشد. در فرایند توسعه منطقه‌ای بیش از هر چیز ویژگی‌های هر منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا امروزه نظریه غالب این است که توسعه منطقه‌ای با ظرفیت‌های درون‌زای هر منطقه، ارتباط نزدیکی دارد و با استفاده از خصوصیات خاص و ظرفیت‌های درون‌زا و داخلی هر منطقه می‌توان به پیشرفت بلندمدت دست یافت (Sabic & Vujadinovic, 2017).

توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق و نواحی مختلف و همچنین شناخت نیازها و استعدادهای هر منطقه، گامی مهم در راستای انجام برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق محسوب می‌شود. بدیهی است توزیع عادلانه امکانات به هیچ وجه به معنای توزیع برابر آن نیست، در این‌جاست که اهمیت تخصیص بهینه منابع بر اساس شناخت دقیق از پتانسیل و معضلات منطقه آشکار می‌شود. نابرابری‌های منطقه‌ای به‌طور بالقوه انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پایه‌های نظم اجتماعی را متزلزل می‌کند. سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران طی دهه‌های گذشته با مسائل و مشکلاتی همراه بوده و در مواردی به نابرابری در توسعه منطقه‌ای منجر شده است (سجودی و همکاران، ۱۴۰۰). این نابرابری‌ها نقش مؤثری در تشدید مهاجرت‌های شهری- روستایی داشته و از این طریق، توزیع بهینه جمعیت را با اختلال مواجه کرده است بنابراین دولت‌ها در ایران همواره با دغدغه حل معضل توسعه نامتوازن و تخصیص بهینه منابع، روبه‌رو بوده‌اند. با وجود کوشش‌های سال‌های اخیر (به‌ویژه در برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور) توسعه منطقه‌ای و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور، همچنان مسئله‌ای در خور تلاش‌های بیشتر و گسترده‌تر

1- Frank
2- Prebisch
3- Furtado

به‌شمار می‌آید. در ایران به دلیل وجود نابرابری‌های فزاینده، ضرورت انجام مطالعات مربوط به برنامه‌ریزی منطقه‌ای از آغاز تدوین نخستین برنامه توسعه اجتماعی- اقتصادی (۳۴-۱۳۲۷) احساس شد اما غلبه برنامه‌ریزی ملی و ساختاربخشی هیچ‌گاه فرصت مناسبی را برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای فراهم نکرد. هم‌اینک نیز شکل‌گیری این الگو از برنامه‌ریزی در کشور با معضلات اساسی مواجه می‌باشد (کلانتری و چوبچیان، ۱۳۸۹). در برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب نیز اقداماتی به‌منظور توسعه منطقه‌ای صورت پذیرفته بود اما برنامه‌های سوم و چهارم توسعه بعد از انقلاب را می‌توان نقطه عطفی در نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانست؛ زیرا در این برنامه‌ها توجه اساسی به تقویت نظام برنامه‌ریزی در استان‌ها صورت گرفت و به لحاظ ساختاری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شکل قانونی در نظام اجرایی و اداری کشور پیدا کرد. در برنامه سوم توسعه پس از انقلاب با اصلاح ساختاری انجام‌شده، برای نخستین‌بار با تعریف نظام درآمد- هزینه استان، جایگاه قانونی و نهادی در نظام برنامه‌ریزی برای توسعه منطقه‌ای در کشور تعیین شد. این نظام که شامل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، کارگروه‌های تخصصی وابسته و خزانه معین استان است، گامی مهم در راستای افزایش انگیزه مشارکت و مسئولیت‌پذیری استان‌ها و به تبع آن درونی‌سازی فرایند توسعه استان‌ها می‌باشد. تمامی فعالان و برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاسی در مرکز و استان‌ها در این مدت کوشیده‌اند تا به زعم خود شکاف توسعه میان مناطق مختلف را به‌حداقل برسانند، با این وجود شواهد بیانگر عدم‌تعادل‌های منطقه‌ای بسیار بالا در کشور است. با برجسته شدن این عدم‌تعادل‌ها و به‌منظور رفع عدم توسعه متوازن میان مناطق مختلف کشور، دولت طی ماده ۱۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه مقرر کرد تا معادل دو درصد از اعتبارات بودجه عمومی دولت در قالب بودجه سنواتی، به‌منظور استفاده متوازن از امکانات کشور، توزیع عادلانه، رفع تبعیض، ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت در این مناطق، در اختیار سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گیرد. بر اساس این قانون دولت مکلف شد در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل کند که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور، در هر سال برنامه حداقل ۱۰ درصد به سطح متوسط نزدیک‌تر شود. در برنامه ششم اقتصادی نیز با توجه به عدم توازن‌های منطقه‌ای گسترده، برنامه‌ریزان اقتصادی علاوه بر قانون مذکور، به موجب ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه و ماده ۳۲ قانون احکام دائمی دولت را مکلف کردند تا ۳ درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی را به‌ترتیب یک‌سوم به استان‌های نفت‌خیز و گازخیز (سهم هر استان براساس سهم آن استان در ارزش صادرات نفت خام و خالص صادرات گاز طبیعی تعیین می‌گردد) و دوسوم به شهرستان‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته (براساس شاخص‌های توسعه‌نیافتگی)، در راستای اجرای برنامه عمرانی بودجه‌های سنواتی اختصاص دهند. اعتبارات مذکور هر ساله در قانون بودجه کشور با عنوان «اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور» و اعتبارات «مجموع سه درصد درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز طبیعی» منظور شده است و بین شهرستان‌های استان‌های مختلف توزیع می‌گردد. سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان اقتصادی بسیار امید داشتند تا پیگیری سیاست‌های مذکور به کاهش عدم‌تعادل‌های منطقه‌ای در کشور بیانجامد. با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش بر آن هستیم که رتبه توسعه‌ای هریک از شهرستان‌های استان کرمانشاه، در سال ابتدایی و سال پایانی برنامه ششم و میزان اعتبارات تخصیص داده‌شده به هر شهرستان طی مدت پنج‌ساله برنامه ششم را بررسی کنیم. در واقع، هدف از پژوهش حاضر آن است که با مقایسه رتبه توسعه‌ای شهرستان‌های استان کرمانشاه در سال‌های ابتدایی و انتهایی برنامه ششم توسعه، به این پرسش پاسخ دهد که آیا میزان اعتبارات

دولتی اختصاص داده‌شده به شهرستان‌های استان (که مطابق با اهداف برنامه‌های پنجم و ششم توسعه باید به بهبود وضعیت مناطق کمتر توسعه منجر می‌شد) وضعیت شهرستان‌های استان مذکور را به لحاظ توسعه‌ای بهبود بخشیده است یا خیر؟

تاکنون برخی از مطالعات به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه پرداخته‌اند لیکن در تمامی این پژوهش‌ها رتبه‌بندی برای یک سال خاص انجام شده است و تغییرات احتمالی در رتبه‌بندی، در طول سال‌های بعد مدنظر قرار نگرفته است، در حالی که پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن تعیین رتبه توسعه‌ای هر شهرستان در سال ابتدایی و انتهایی برنامه ششم، کارایی اعتبارات دولتی هزینه‌شده طی برنامه ششم توسعه، بابت رفع عدم‌توازن منطقه‌ای، در شهرستان‌های استان کرمانشاه را بررسی کند و به عبارتی نشان دهد که آیا اعتبارات هزینه‌شده توسط دولت، منجر به بهبود شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان مذکور گردیده است یا خیر؛ از این رو این تحقیق دارای نوآوری است.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

نیمبرو و سارمینتو[1] (۲۰۲۱) در مقاله‌ای روش شناسایی چندبُعدی را برای بررسی شکاف‌های توسعه ایالتی در آرژانتین به‌منظور دستیابی به اولویت‌های سیاسی ارائه دادند. در این راستا یک پایگاه داده بزرگ ایجاد شد که هفت بُعد توسعه را پوشش داد. برای غلبه بر برخی از محدودیت‌های تحلیلی که در مطالعات قبلی وجود داشتند روش‌های تحلیل چندمتغیره به‌کار گرفته شد. نتایج به‌دست‌آمده، ثبات در شکاف‌های توسعه ایالتی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ و همچنین مقداری ناهمگنی در مناطق جغرافیایی را نشان داد.

پیسکون و خوخلوف[2] (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی توسعه اقتصادی مناطق فدراسیونی روسیه پرداختند. برای ارزیابی عدم‌تعادل و توازن مناطقه‌ای، از روش‌های طبقه‌بندی چندبعدی هم‌سو با روش‌های تحلیل همگرا، شامل متدهای تحلیل‌عاملی، تحلیل خوشه‌ای و تحلیل متمایز استفاده شد و در نهایت در این مطالعه، استفاده از تحلیل‌عاملی اکتشافی برای خوشه‌بندی مناطق فدراسیون روسیه پیشنهاد گردید. این روش به محققان کمک می‌کند تا حجم بزرگی از متغیرها را به تعداد محدودی از عامل‌ها کاهش دهند. در این مطالعه از آمارهای رسمی در دوره زمانی ۲۰۱۶ – ۲۰۱۴ استفاده شد و به عنوان نتیجه محاسبات، سه عامل اکتشافی تعیین شدند. اولین مورد، استفاده از منابع طبیعی به‌منظور تشکیل تولید ناخالص منطقه‌ای را توصیه می‌کند. دومین مورد به‌عنوان عاملی تفسیر شده که رشد اقتصادی را افزایش نمی‌دهد و سومین مورد نیز ضرورت توسعه فعالیتی را نشان می‌دهد که با منابع طبیعی مرتبط نمی‌باشد.

پالویکین و دامچوین[3] (۲۰۱۵) با استفاده از ۹۱ شاخص توسعه اجتماعی و اقتصادی نشان دادند که با وجود برنامه‌های تخصیص منابع بلندمدت، هنوز شکاف بزرگی از توسعه در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که کشورهای عضو این اتحادیه از لحاظ ساختار اجتماعی و اقتصادی، تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند.

شانکار و شاه[4] (۲۰۰۹) در گزارشی برای بانک جهانی، سیاست توسعه منطقه‌ای در اروپا را بررسی کردند و اهمیت توسعه متوازن برای حفظ ثبات سیاسی و تداوم رشد اقتصادی را لازم دانستند. آن‌ها سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، در کنار افزایش سرمایه‌انسانی را برای توسعه منطقه‌ای ضروری می‌دانند و از توسعه سخت‌افزاری صرف پرهیز و سیاست زمین

1- Niembro and Sarmiento

2- Piskun and Khokhlov

3- Paleviciene and Dumciuviene

4- Shankar and Shah

مسطح (امکان رقابت برابر) را مهم‌ترین معیار توسعه منطقه‌ای معرفی کرده‌اند.

باتیا و رای[1] (۲۰۰۴) در پژوهشی با بهره‌گیری از ۲۳ شاخص؛ شامل ۱۲ شاخص کشاورزی و ۱۱ شاخص زیرساختی و با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی، به تعیین سطح توسعه بلوک‌ها در ۳۲ منطقه هندوستان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری منطقه‌ای افزایش یافته است؛ به‌طوری که ۱۳ بلوک توسعه‌یافته، ۹۲۳ بلوک نسبتاً توسعه‌یافته، ۹۹۲ بلوک کمتر توسعه‌یافته و ۳۲ بلوک توسعه‌نیافته، شناخته شده‌اند.

ب) پژوهش‌های داخلی

باتمانی و زراعت‌کیش (۱۴۰۰) با استفاده از ۴۵ شاخص، درجه توسعه‌یافتگی روستاهای استان کرمانشاه به روش تاکسونومی عددی بررسی شده است. میانگین روستاهای استان مذکور در سال ۱۳۸۵، نشان از توسعه‌نیافته بودن و در سال ۱۳۹۰ نشان از نیمه‌توسعه‌یافته بودن آن‌ها دارد.

ایرانی‌هریس و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از ۵۹ شاخص، در چهار بخش بهداشتی و درمانی، اقتصادی، زیربنایی، آموزشی و فرهنگی و با استفاده از دو روش موریس و تاکسونومی عددی، به درجه‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شهرستان‌های واقع در نیمه جنوبی استان که در مسیر راه‌های ارتباطی اصلی و سایر زیربناها قرار دارند (اردبیل، نمین و نیر)، شهرستان‌هایی هستند که بالاترین ضریب توسعه‌یافتگی را داشته‌اند.

خاکپور و همکاران (۱۳۹۸) سطوح برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ شاخص‌های توسعه را با استفاده از تکنیک‌های ادغام، بررسی و تحلیل کردند. بدین منظور ۱۴ شهرستان از لحاظ شاخص‌های ترکیبی توسعه در قالب ۴۰ شاخص قابل‌سنجش بررسی شدند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از مدل آنتروپی و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شد و شهرستان‌های استان کرمانشاه به چهار سطح (توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، درحال‌توسعه و محروم از توسعه)، دسته‌بندی شدند. نتایج پژوهش بیانگر این است که شهرستان‌های قصرشیرین و پاوه در گروه توسعه‌یافته، شهرستان‌های سنقر، دالاهو، گیلان غرب، صحنه و کنگاور در گروه نسبتاً توسعه‌یافته، شهرستان‌های اسلام‌آبادغرب، هرسین، ثلاث باباجانی، روانسر و سرپل‌ذهاب در گروه درحال‌توسعه و شهرستان‌های جوانرود و کرمانشاه در گروه شهرستان‌های محروم از توسعه، طبقه‌بندی شدند.

طیب‌نیا و فتاحی (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از روش تاکسونومی و استفاده از ۴۲ شاخص توسعه، به تعیین و تحلیل سطوح توسعه شهرستان‌های استان کرمانشاه پرداخته‌اند. این پژوهش، شهرستان‌های استان را در پنج سطح بسیار برخوردار، برخوردار، تا حدودی برخوردار، محروم و بسیار محروم، طبقه‌بندی کرده است. نتایج حاکی از آن است که در سه سطح اول هیچ شهرستانی جای نگرفته، شهرستان‌های صحنه، کنگاور، پاوه و قصرشیرین در سطح محروم و شهرستان‌های سنقر، هرسین، کرمانشاه، دالاهو، گیلان‌غرب، اسلام‌آبادغرب، روانسر، جوانرود، سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی در سطح بسیارمحروم قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد بین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص‌های توسعه اختلاف و نابرابری وجود دارد. مطابق یافته‌های این پژوهش ۲۸/۵ درصد شهرستان‌های این استان در سطح محروم و ۷۱/۵ درصدشان در سطح بسیار محروم قرار گرفته‌اند.

جوکار (۱۳۹۱) وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان در زمینه متغیرهای مرتبط با شاخص آموزشی، با استفاده از روش تاکسونومی عددی را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد بر اساس متغیرهای مرتبط با شاخص آموزشی در سال

1- Bhatia and Rai

۱۳۷۹، شهرستان‌های امیدیه و اهواز به‌ترتیب برخوردارترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان و در سال ۱۳۸۹، شهرستان‌های مسجدسلیمان و رامهرمز به‌ترتیب، توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان محسوب می‌شوند.

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از ۱۷ شاخص بهداشتی- درمانی، فرهنگی- اجتماعی، گردشگری، مذهبی و زیرساختی، شهرستان‌های استان کرمانشاه را به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی طبقه‌بندی کردند. در این مطالعه از داده‌های سالنامه آماری مربوط به سال ۱۳۸۸ استفاده شده است. روش مورد استفاده این پژوهش، تاپسیس است. مطابق بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده، شهرستان‌های استان کرمانشاه از نظر سطح توسعه‌یافتگی، به چهار گروه توسعه‌یافته، تاحدی توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم، تقسیم‌بندی شدند. نتایج حاکی از آن است که شهرستان قصرشیرین، در گروه توسعه‌یافته، شهرستان کرمانشاه در گروه تاحدی توسعه‌یافته، شهرستان‌های پاوه، روانسر و صحنه در گروه کمتر توسعه‌یافته و شهرستان‌های سنقر، جوانرود، گیلانغرب، ثلاث باباجانی، هرسین، سرپل‌ذهاب، کنگاور، اسلام‌آبادغرب و دالاهو در گروه شهرستان‌های محروم، طبقه‌بندی می‌شوند.

۳- مبانی نظری

واژه توسعه اقتصادی یک مفهوم نسبتاً جدید در علم اقتصاد است. مفهوم توسعه و استفاده کاربردی از آن، به صورت مشخص به بعد از جنگ جهانی دوم (دوره پساجنگ ۱۹۶۰-۱۹۵۰) برمی‌گردد (متقی، ۱۳۹۶). مهم‌ترین هدف توسعه در این دوره، برون‌رفت از جامعه سنتی و رفتن به سمت دانش‌محوری، تولیدمحوری و تکنولوژی بود (ازکیا، ۱۳۸۴). در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه، دستیابی به میزان بالای نرخ رشد اقتصادی معرفی شده بود (ملکی و حسینی، ۱۳۹۵). در این دهه‌ها بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه که به این اهداف (ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ حداقل ۵ درصد) دست یافتند، با این وجود وضعیت مردم این کشورها نه‌تنها بهبود نیافت بلکه نابرابری و فقر در این کشورها شدت گرفت. این امر منجر به توجه بیشتر به توسعه اجتماعی تا دهه‌های پایانی قرن بیستم شد (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵). اقتصاددانان توسعه در انتقاد از دیدگاهی که صرفاً رشد اقتصادی را به‌عنوان معیار توسعه معرفی می‌کرد توسعه را مفهومی فراتر از رشد اقتصادی بیان کردند. از نظر آنان کشوری‌هایی که از درآمد سرانه بالاتری برخوردارند، الزاماً در رده کشورهای با توسعه بالاتر قرار نمی‌گیرند. بنابراین هدف از توسعه اقتصادی دیگر نمی‌تواند صرفاً اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه یک کشور باشد بلکه توسعه، فرایندی از تغییر و دگرگونی است، نه‌تنها در زمینه اقتصادی بلکه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و غیره. به عبارت دیگر، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است و اساس رویکرد توسعه اجتماعی، بهزیستی انسان است که برای حقوق بشر، عدالت اجتماعی و عزت برای همه، ارزش قائل است. در واقع، توسعه اجتماعی رویکردی مردم‌محور است که رفاه مردم را بالاتر از ساختارها و سیستم‌ها قرار می‌دهد (Drolet & Sampson, 2017).

در خصوص توسعه اجتماعی می‌توان پنج دیدگاه نظری اصلی را برشمرد (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵):

۱- رویکرد نیازهای اولیه متأثر از پذیرش حق برخورداری از نیازهای اولیه انسان‌ها (آموزش، بهداشت و غیره) و حقی بشری است. در این رویکرد هدف اصلی توسعه اجتماعی، برآورده کردن کل نیازهای اساسی بشری است.

۲- رویکرد تکاملی که براساس آن، هدف اصلی توسعه اجتماعی، ایجاد نظم اجتماعی و نتیجه آن یکپارچگی اجتماعی است و توسعه اجتماعی به شرط

ارتباط توسعه اقتصادی- اجتماعی شهرستان‌های استان کرمانشاه ... / محمد فرهادی، ندا میری ـــــــ

بررسی کند آیا اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان‌های استان مذکور منجر به بهبود سطح توسعه‌ای آن‌ها در طول برنامه ششم توسعه گردیده است یا خیر؟ به عبارتی آیا وضعیت هر شهرستان (به لحاظ سطح‌بندی مطرح‌شده در پژوهش حاضر) در سال انتهایی برنامه بهبود یافته و اگر بهبود یافته است این بهبود تا چه میزان با اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان‌های مذکور در ارتباط است. به عبارت دیگر، آیا سیاست‌های دولت در زمینه توزیع منابع، کارا عمل کرده یا ناکارا و تشدیدکننده توسعه نامتوازن بوده است؟

برای این مهم از آخرین اطلاعات در دسترس از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی، فرهنگی و آموزشی و ... منتشرشده توسط مرکز آمار ایران، اعتبارات مربوط به بودجه شهرستان‌های استان کرمانشاه (شامل اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای و اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و اعتبارات ۳ درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی) و گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه استفاده کردیم. شایان ذکر است اطلاعات تفصیلی مربوط به بودجه شهرستان‌ها از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه اخذ گردید و اطلاعات آماری مربوط به سال تمدید برنامه ششم (به دلیل آنکه زمان انجام پژوهش، نخستین ماه‌های سال ۱۴۰۱ می‌باشد) در پژوهش حاضر لحاظ نگردیده است.

در این مقاله از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و فرهنگی و زیربنایی استفاده شد، سپس درجه توسعه هر شهرستان (Fi) در سال‌های ابتدایی و انتهایی برنامه ششم، محاسبه و گزارش گردید. درجه توسعه‌یافتگی (Fi) به‌طور معمول بین صفر و یک قرار می‌گیرد و هر قدر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی بیشتر (قرار گرفتن در رتبه بالاتر) و هرچه به یک نزدیک‌تر می‌گردد، بیانگر توسعه‌نیافتگی آن شهرستان می‌باشد. به عبارتی در این روش، هر شهرستانی که شاخص توسعه محاسبه‌شده برای آن کوچک‌تر باشد از درجه توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردار است.

نحوه انتخاب داده‌ها و شاخص‌های موردنیاز برای تعیین رتبه توسعه‌ای مناطق مختلف نیز با استفاده از مبانی نظری موجود در این رابطه می‌باشد. با درنظر گرفتن مبانی نظری مربوط به شاخص‌ها و همچنین اطلاعات آماری موجود، سعی شد شاخص‌های مربوطه به‌گونه‌ای انتخاب شوند تا مبانی نظری موجود در این زمینه را به نحو مطلوبی پوشش دهند. شاخص‌های توسعه به‌کاررفته در این تحقیق عبارتند از:

شاخص‌های اقتصادی و تولیدی: سرانه تولید شیر، سرانه تولید گوشت قرمز، سرانه تولید مرغ، سطح زیر کشت محصولات سالانه آبی، سطح زیر کشت محصولات سالانه دیم با کشت دوم، تعداد کارگاهای صنعتی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، اشتغال در کارگاهای صنعتی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه سرمایه‌گذاری انجام‌شده در واحدهای صنعتی (میلیارد ریال) به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد معادن به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، اشتغال‌زایی کارگاه‌های صنعتی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر.

شاخص‌های جمعیتی عبارتند از: نرخ باسوادی زنان، نرخ بیکاری، درصد شهرنشینی، نرخ باسوادی، نرخ مشارکت اقتصادی.

شاخص‌های بهداشتی و درمانی: بیمارستان فعال به‌ازای هر۱۰۰۰۰ نفر، مراکز بهداشتی و درمانی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد پزشک متخصص به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد دندانپزشک به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، داروخانه به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد پیراپزشکان به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر.

شاخص‌های آموزشی و فرهنگی: مجموع سالن‌های ورزشی دولتی و خصوصی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه مساحت اماکن ورزشی، تعداد آموزشگران دانشگاهی تمام‌وقت مؤسسات آموزش عالی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد کتابخانه‌ها به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد

ایستگاه‌های پایش آلودگی هوا به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان.

شاخص‌های زیربنایی: درصد شهرهای گازرسانی‌شده، درصد روستاهای گازرسانی‌شده، درصد روستاهای برق‌رسانی‌شده، طول راه‌های شهرستان‌های استان، تعداد واحدهای پستی ارائه‌دهنده انواع خدمات پستی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، درصد ضریب نفوذ تلفن همراه، درصد روستاهای دارای آب شرب بهداشتی، درصد روستاهای دارای طرح هادی روستایی اجراشده، سهم اشتغال در بخش صنعت و معدن.

استان کرمانشاه یکی از استان‌های مهم و استراتژیک کشور به‌حساب می‌آید. این استان، حدود ۱/۵ درصد از مساحت کشور را دربر دارد و هفدهمین استان از این لحاظ در سطح کشور محسوب می‌گردد. براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ دارای ۱۴ شهرستان است که شهرستان کرمانشاه با دارا بودن ۲۳ درصد مساحت استان، پهناورترین شهرستان استان و شهرستان جوانرود با وسعتی معادل ۳/۱ درصد مساحت استان، کم‌وسعت‌ترین شهرستان استان به‌شمار می‌روند.

این استان علی‌رغم دارا بودن یک موقعیت ممتاز و منحصربه‌فرد و قرار گرفتن در مرکزیت منطقه غرب کشور و کریدورهای شمال غرب، جنوب غرب و شرق به غرب، به علت برخی از محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از عدم توسعه متوازن کشور، از نظر شاخص‌های توسعه‌ای از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد و وضعیت استان حتی در برخی از شاخص‌ها، حاکی از روند نگران‌کننده‌ای است. گستره جغرافیایی پهناور استان و تنوع قومی و مذهبی منحصربه‌فرد آن (ترکیبی از پیروان مذاهب شیعه، اهل سنت، اهل حق و قومیت‌های کرد اورامی، کرد کرمانشاهی، لک و لر و ترک)، منجر شده است تا این استان، بسیار مستعد عدم توازن‌های منطقه‌ای باشد به‌گونه‌ای که در سه دهه گذشته، بالاترین نرخ بیکاری و در سال‌های اخیر بالاترین میزان تورم در کشور از آن این استان بوده است. سرانه سپرده‌گذاری و سرانه درآمدی این استان، پایین‌تر از متوسط کشوری و سرمایه‌گذاری صنعتی و تعداد واحدهای صنعتی فعال آن نیز کمتر از سهم متناسب کشوری است. درآمد سرانه استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ معادل ۲۵ میلیون تومان بوده است و در جایگاه ۲۳ کشور قرار دارد. نسبت درآمد سرانه استان کرمانشاه به متوسط کشور ۰/۴۹ در سال ۱۳۷۹، ۰/۵۵ در سال ۹۲ و در سال ۹۶ نسبتی معادل ۰/۶۲ بوده‌است. به عبارت دیگر درآمد سرانه این استان تقریباً یک‌دوم متوسط سایر استان‌های کشور می‌باشد (گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه، ۱۳۹۹). تولید محصولات کشاورزی نیز بسیار کمتر از متوسط کشوری است (۳ تن در هکتار در مقابل متوسط کشوری ۵ تن در هکتار). این در حالی است که نیمی از مبادلات تجاری ایران با عراق، از طریق مرزهای این استان انجام پذیرفته و نزولات جوی سالیانه، در این استان بیش از دو برابر متوسط کشوری است، همچنین ۵ درصد از کل اراضی کشاورزی و ۸ درصد از روان‌آب‌های کشور متعلق به استان کرمانشاه است. با این حال حاشیه‌نشینی بسیار گسترده در شهرهای استان و بالا بودن نرخ خودکشی، طلاق و اعتیاد همچنان از معضلات اجتماعی بسیار مهم و رو به افزایش است.

۵- یافته‌های تحقیق

در جدول ۱، درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه طی سال اول و آخر برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی و سرانه

اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به آنها در طول برنامه ششم توسعه مقایسه شده است. در جدول ۱ ستون اول، نشانگر درجه توسعه‌یافتگی می‌باشد به‌گونه‌ای که رتبه توسعه‌یافتگی هریک از چهارده شهرستان استان کرمانشاه را در سال ابتدایی و انتهایی برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد. ستون‌های دوم و سوم جدول مذکور به‌ترتیب سرانه اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته و رتبه سرانه اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به هر شهرستان را نشان می‌دهد. اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به هریک از شهرستان‌های استان، شامل مجموع تخصیص اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای، اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور، اعتبارات مجموع سه درصد درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز طبیعی و سایر اعتبارات سرمایه‌ای تخصیص‌یافته به شهرستان‌های استان مذکور می‌باشد. سپس جمع کل اعتبارات دولتی متعلق به هر شهرستان محاسبه شد و بر جمعیت کل آن شهرستان تقسیم گردید تا سرانه اعتباری هر شهرستان به‌دست آید. این سرانه (سرانه اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به هر شهرستان در طول سال‌های برنامه ششم) در ستون دوم جدول، گزارش شده است که نشان می‌دهد هر فرد، در هر شهرستان، در طول برنامه ششم (۵ سال)، از چه میزان اعتبارات دولتی بهرمند می‌شود. در ستون سوم، رتبه هر شهرستان بر اساس میزان سرانه دولتی دریافتی محاسبه شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ شاخص توسعه محاسبه‌شده (درجه توسعه‌یافتگی) برای شهرستان قصرشیرین در سال ابتدای برنامه برابر با ۰/۷۷۵ و در سال انتهایی برنامه ششم توسعه، برابر با ۰/۶۶۹ می‌باشد که در هر دو سال این شهرستان کوچک‌ترین شاخص را در میان شهرستان‌های استان داشته است. شاخص توسعه برای شهرستان ثلاث باباجانی در سال ابتدایی برنامه برابر ۱ و در سال انتهایی برنامه ششم توسعه برابر با ۰/۹۸۵ می‌باشد. این شهرستان نیز در هر دو سال، بزرگ‌ترین شاخص را در میان شهرستان‌های به خود اختصاص داده است. براین اساس، مطابق پژوهش حاضر، شهرستان قصرشیرین و شهرستان ثلاث باباجانی در هر دو سال موردبررسی به‌ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان کرمانشاه هستند.

در ادامه، چگونگی تقسیم‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه در پنج سطح براساس یافته‌های جدول ۱ از منظر درجه توسعه‌یافتگی به شرح جدول ۲ ارائه می‌گردد.

ارتباط توسعه اقتصادی- اجتماعی شهرستان‌های استان کرمانشاه ... / محمد فرهادی، ندا میری ـــــــ

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه (بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۱) در پنج سطح رتبه‌بندی شده است که در این سطح‌بندی همه شهرستان‌های استان کرمانشاه در هر دو سال مورد بررسی جز شهرستان‌های محروم و بسیار محروم طبقه‌بندی می‌شوند. (درجه توسعه‌یافتگی (Fi) تمامی شهرستان‌های استان در سال شروع برنامه ششم بالاتر از ۰/۷۷ و در سال انتهایی برنامه، بالاتر از۰/۶۶ می‌باشد). در این میان شهرستان قصرشیرین در هر دو سال ابتدایی و انتهایی برنامه ششم به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، بالاترین درجه (کمترین ضریب Fi) را در میان سایر شهرستان‌های استان دارد. شهرستان‌های ثلاث باباجانی، جوانرود و سرپل‌ذهاب به‌ترتیب در سال اول برنامه، کمترین درجه توسعه‌یافتگی (بالاترین ضریب Fi) را در استان داشته‌اند اما در سال انتهایی برنامه ششم، کمترین درجه توسعه‌یافتگی به‌ترتیب به شهرستان‌های ثلاث باباجانی، سرپل‌ذهاب و دالاهو تعلق دارد. نگاهی به توزیع سرانه اعتبارات دولتی و رتبه آن در شهرستان‌های استان کرمانشاه، حاکی از آن است که بالاترین سرانه اعتبارات دولتی در مجموع سال‌های برنامه ششم متعلق به شهرستان ثلاث‌باباجانی می‌باشد. شایان توجه است این شهرستان که در سال اول برنامه ششم، محروم‌ترین شهرستان استان بوده است، علی‌رغم دریافت بالاترین سرانه اعتباری در طول برنامه، در سال آخر برنامه نیز همچنان محروم‌ترین شهرستان استان باقی مانده است. دومین اعتبارات سرانه دولتی، متعلق به شهرستان قصرشیرین می‌باشد. به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی این شهرستان در سال ابتدایی و انتهایی برنامه ششم، توسعه‌یافته‌ترین شهرستان استان می‌باشد اما در هر دو سال همچنان در گروه شهرستان‌های محروم طبقه‌بندی شده و اعتبارات دولتی منجر به صعود این شهرستان به دسته‌های بالاتر در جدول ۲ نگردیده است. سومین اعتبارات سرانه دولتی در میان شهرستان‌های استان کرمانشاه به شهرستان سرپل‌ذهاب تعلق دارد. لیکن علی‌رغم دریافت سومین اعتبارات دولتی، درجه توسعه‌یافتگی این شهرستان از رتبه ۱۲ در سال اول برنامه با یک درجه تنزل به رتبه ۱۳ در سال آخر برنامه رسیده است (از سومین محروم‌ترین شهرستان به دومین محروم‌ترین شهرستان نزول کرده است). نگاهی به درجه توسعه‌یافتگی سایر شهرستان‌ها در سال‌های ابتدایی و انتهایی برنامه ششم مؤید این موضوع است که جایگاه شهرستان‌های استان به لحاظ رتبه توسعه‌یافتگی (جدول ۱) در استان تفاوت چشمگیری (به استثنای شهرستان کنگاور) در طول سال‌های برنامه ششم توسعه نداشته است. به عبارتی اعتبارات دولتی در طول برنامه ششم به بهبود درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان منجر نگردیده است. یکی از دلایل این موضوع، ناکافی بودن اعتبارات دولتی برای ایجاد تحرک، به‌منظور توسعه در شهرستان‌های مزبور می‌باشد برای مثال بالاترین اعتبار دولتی در تمامی سال‌های برنامه ششم متعلق به شهرستان ثلاث باباجانی بوده است که مقدار آن برابر ۵۴.۶ میلیون ریال می‌باشد. بررسی فصول بودجه‌ای این شهرستان حاکی از آن است که به دلیل وجود مشکلات امنیتی در کشور عراق، اعتبارات تخصیص‌یافته به این شهرستان بیشتر در فصول امنیتی و دفاعی هزینه می‌شود و صرف تأمین امنیت در این شهرستان مرزی می‌گردد. داده‌های منتشرشده در ستون سرانه اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان‌های استان کرمانشاه در جدول ۱ گویای آن است که اعتبار سرانه دریافتی ده شهرستان از چهارده شهرستان استان، در طول پنج سال برنامه ششم، کمتر از ۱۷ میلیون ریال می‌باشد؛ بنابراین حتی به فرض تخصیص کارای اعتبارات، رقم اعتبارات مذکور به حدی نیست که بتواند محرک توسعه در استان محروم کرمانشاه باشد. این موضوع در واقع منعکس‌کننده این واقعیت است که اگر دولت قصد دارد به این ناهمگونی توسعه پایان دهد باید اعتبارات ملی را به شکلی عادلانه

میان استان‌ها و سپس شهرستان‌های هر استان توزیع کند. توزیع عادلانه اعتبارات، اولین گام در زمینه توسعه متوازن است و اولویت‌بندی اعتبارات و نظارت بر آن، برای هزینه در زیرساخت‌های اولویت‌دار، گام‌های مهم‌تری برای رفع توسعه نامتوازن می‌باشند. سه شهرستان محروم‌تر استان در بسیاری جهات شباهت‌هایی به یکدیگر دارند. این شباهت‌ها عبارتند از: مرزنشینی، بافت قومی- قبیله‌ای ساکنان، محرومیت‌های بهداشتی و زیرساختی، راه دسترسی نامناسب و وجود نقاط پرحادثه در راه‌ها، بالاتر بودن نرخ بی‌سودادی، کیفیت پایین‌تر نیروی انسانی، دوری از مرکز و عوامل امنیتی از قبیل تنش‌های مذهبی، اعتیاد و حاشیه‌نشینی. شاخص‌های زیربنایی و اقتصادی این شهرستان‌ها شامل جمعیت شهری و روستایی تحت پوشش شبکه گاز، جمعیت شهری تحت پوشش شبکه آب و فاضلاب، جمعیت روستایی بهره‌مند از آب سالم و همچنین شاخص‌های بهداشتی، درمانی و جاده‌ای، از ضعیف‌ترین شاخص‌ها در میان سایر شهرستان‌های استان هستند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که تمامی شهرستان‌های استان کرمانشاه در زمره شهرستان‌های محروم و بسیار محروم، طبقه‌بندی می‌شوند. در ابتدای برنامه ششم توسعه، تنها شهرستان قصرشیرین در گروه شهرستان‌های محروم طبقه‌بندی شده است و باقی سیزده شهرستان استان در گروه شهرستان‌های بسیار محروم طبقه‌بندی شده‌اند. این شهرستان (قصرشیرین) در انتهای برنامه ششم نیز همچنان در گروه شهرستان‌های محروم طبقه‌بندی می‌شود. یازده شهرستان دیگر از چهارده شهرستان استان، در طول برنامه ششم توسعه، هیچ تغییری در طبقه‌بندی نداشتند و همچنان در گروه شهرستان‌های بسیار محروم قرار می‌گیرند اما در سال انتهایی برنامه ششم توسعه، علاوه بر شهرستان قصرشیرین دو شهرستان کنگاور و صحنه نیز از طبقه‌بندی شهرستان‌های بسیار محروم در سال ابتدایی برنامه، به گروه شهرستان‌های محروم ارتقا یافته‌اند، این در حالی است که مجموع سرانه اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان کنگاور در طول پنج سال برنامه ششم توسعه، معادل ۶.۴ میلیون ریال می‌باشد که پس از شهرستان کرمانشاه کمترین سرانه (رتبه ۱۳) در استان متعلق به این شهرستان است. همچنین در طول سال‌های برنامه ششم توسعه، سرانه اعتبارات تخصیص‌یافته به شهرستان صحنه (۹.۸ میلیون ریال) نیز جایگاه نهم را در بین سایر شهرستان‌ها دارد. بنابراین میزان اعتبارات دولتی تخصیص‌یافته به شهرستان‌های مذکور به‌گونه‌ای نیست که بتوان صعود جایگاه این شهرستان‌ها، از بسیار محروم در ابتدای برنامه ششم توسعه، به محروم در انتهای برنامه را بدان مرتبط دانست. از مهم‌ترین دلایل توسعه، در دو شهرستان مذکور می‌توان به عواملی چون قرارگیری بر مسیر کریدورهای ارتباطی اصلی استان و عتبات عالیات، احداث کارخانه ایران خودرو، کشت و صنعت ایلیا ذرت در شهرستان صحنه، قرارگیری بر محور توسعه صنعتی استان، وجود شهرک صتعتی صحنه و ناحیه صنعتی آب باریک با ۹۵ هکتار اراضی، وجود شهرک صنعتی کنگاور، زمین‌های مستعد زراعی و باغی، اراضی حاصلخیز کشاورزی با آب مناسب و پروژه در دست تکمیل راه‌آهن غرب کشور اشاره کرد. بنابراین عواملی مانند موقعیت ممتاز جغرافیایی و طبیعی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نقش مؤثرتری در توسعه شهرستان‌های استان، نسبت به اعتبارات محدود دولتی داشته‌است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحقیق حاضر با استفاده از آخرین داده‌های منتشرشده توسط مرکز آمار ایران و گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه (منتشرشده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه) شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، فرهنگی و آموزشی (۳۷ شاخص انتخابی) مربوط به ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه را گردآوری و

سپس با استفاده از روش تاکسونومی عددی، رتبه توسعه هرشهرستان را در سال شروع و پایانی برنامه ششم توسعه، محاسبه کرد. مطابق یافته‌های تحقیق ضریب توسعه یا Fi شهرستان‌های استان کرمانشاه در سال آغازین برنامه ششم از حداقل ۰/۷۷ تا ۱ و در سال پایانی برنامه از حداقل ۰/۶۶ تا۰/۹۸ در نوسان بوده است؛ به‌گونه‌ای که در تمامی سال‌های موردبررسی، هر ۱۴ شهرستان به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی جزو مناطق محروم و بسیار محروم طبقه‌بندی می‌شوند. این یافته تحقیق هم‌راستا با نتایج مطالعه طیب‌نیا و فتاحی (۱۳۹۸) می‌باشد که در مطالعه آنها نیز هر ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در گروه شهرستان‌های محروم و بسیار محروم طبقه‌بندی شده‌اند. در مطالعه مذکور، شهرستان‌های صحنه، کنگاور، پاوه و قصرشیرین در گروه شهرستان‌های محروم و مابقی شهرستان‌های استان در گروه شهرستان‌های بسیار محروم طبقه‌بندی می‌شوند، در صورتی که مطابق نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، در سال انتهایی برنامه ششم، تنها سه شهرستان قصرشیرین، صحنه و کنگاور در گروه شهرستان‌های محروم طبقه‌بندی می‌شوند و شهرستان پاوه نیز همانند دیگر شهرستان‌های استان در گروه شهرستان‌های بسیار محروم جای دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر، با مطالعات خاکپور و همکاران (۱۳۹۸) و پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) که مطابق آن پژوهش‌ها برخی از شهرستان‌های استان کرمانشاه در گروه شهرستان‌های توسعه‌یافته (مانند قصرشیرین در مطالعه پورمحمدی و همکاران و قصرشیرین و پاوه در مطالعه خاکپور و همکاران) و نسبتاً توسعه‌یافته (شهرستان کرمانشاه در مطالعه پورمحمدی و همکاران و شهرستان‌های سنقر، دالاهو، گیلان غرب، صحنه و کنگاور در مطالعه خاکپور و همکاران) طبقه‌بندی می‌شوند، هم‌راستا نیست.

در این پژوهش با یک نوآوری جدید و با استفاده از اطلاعات بودجه‌ای، مجموع اعتبار منظورشده در بودجه هر شهرستان در طول مدت پنج‌ساله برنامه ششم توسعه، محاسبه و بر جمعیت آن شهرستان تقسیم گردید تا سرانه اعتبار دولتی اختصاص داده‌شده برای هر شهرستان در طول برنامه ششم توسعه، محاسبه شود. نتایج حاکی از آن است که در سال پایانی برنامه ششم توسعه، تغییر چندانی در درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان حاصل نگردیده است و تنها دو شهرستان صحنه و کنگاور از دسته‌بندی شهرستان‌های بسیارمحروم به دسته‌بندی شهرستان‌های محروم انتقال یافته‌اند. بررسی اعتبارات تخصیص‌یافته به این دو شهرستان نشان می‌دهد سرجمع اعتبارات تخصیص‌یافته به دو شهرستان صحنه (۹/۸ میلیون ریال) و کنگاور (۶/۴ میلیون ریال) در طول مدت پنج‌ساله برنامه ششم، بسیار کم و ناچیز است و به حدی نیست که بتواند شاخص‌های توسعه‌ای این شهرستان‌ها را به میزان قابل‌توجهی بهبود بخشد؛ بنابراین اعتبارات هزینه‌شده توسط دولت، محرک توسعه نمی‌باشد و عواملی چون موقعیت ممتاز جغرافیایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نقش مهم‌تری را در بهبود شاخص‌های توسعه‌ای شهرستان دارند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد روش دولت در توزیع اعتبارات دولتی، به کاهش توسعه نامتوازن و رفع تبعیض در استان کرمانشاه منجر نگردیده است و ادامه این روش می‌تواند به تعمیق شکاف توسعه‌ای میان مناطق مختلف دامن زند. به‌منظور بهبود توسعه نامتوازن در استان کرمانشاه و کاهش شکاف توسعه میان نواحی مختلف کشور، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه محرومیت گسترده در سراسر استان کرمانشاه، سهم استان مذکور و به تبع آن شهرستان‌های مربوطه در دریافت اعتبارات دولتی از بودجه کل کشور افزایش یابد.
- اعتبارات دولتی به‌گونه‌ای مؤثر و کارا و با هدف رفع تبعیض میان شهرستان‌های استان توزیع شوند.
- در توزیع اعتبارات دولتی، طرح‌های اولویت‌دار هر شهرستان، برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی،

اجتماعی، بهداشتی و زیربنایی مشخص گردد و در اولویت دریافت و تخصیص اعتبار قرار گیرند.

- نظارت دولت بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات تخصیص داده‌شده در شهرستان‌های استان افزایش یابد تا اهداف توسعه‌ای دولت در مناطق محروم با سرعت بیشتری تحقق یابند.
- تقویت مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در شهرستان‌های استان و به‌خصوص شهرستان‌های محروم‌تر
- تمرکززدایی
- درنظر گرفتن پتانسیل قومیت‌های مختلف و به‌کارگیری افراد توانمند بومی در هر شهرستان
- توسعه خطوط ارتباطی و تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل
- حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی
- ایجاد بسترهای فرهنگی و آموزشی به‌منظور تربیت نیروی انسانی کارا
- آموزش، فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان.

۷- منابع

ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.

ایرانی‌هریس، صیاد؛ قلی‌نژاد، اسماعیل؛ نجفی، اسماعیل. (۱۳۹۹). سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش موریس و تاکسونومی عددی. نشریه *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۹(۳۳)، ۷-۲۰.

باتمانی، الهام؛ زراعت‌کیش، سید یعقوب. (۱۴۰۰). درجه توسعه‌یافتگی روستاهای استان کرمانشاه (کاربرد روش تاکسونومی عددی). *نشریه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱۳(۲)، ۱-۲۴.

پورمحمدی، محمرضا؛ رنجبرنیا، بهزاد؛ ملکی، کیومرث؛ شفاعتی، آرزو. (۱۳۹۰). تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه. *نشریه برنامه‌ریزی فضایی*، ۱(۵)، ۱-۲۶.

جغتایی، فائزه؛ موسوی، میرطاهر؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۵). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۳)، ۸۸-۵۵.

جوکار، سجاد. (۱۳۹۱). تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی. *نشریه آمایش محیط*، ۵(۱۷)،۶۱-۴۱.

خاکپور، براتعلی؛ محمدی، چنور؛ داوری، سیده الهام؛ اکبری، مجید. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های کرمانشاه با استفاده از تکنیک ادغام. *نشریه جغرافیا و توسعه*، ۷(۵۶)، ۷۳-۹۰.

طیب‌نیا، سیدهادی؛ فتاحی، رزگار. (۱۳۹۸). تحلیل و سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه. *نشریه مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۳(۶)، ۱۷-۲۹.

فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاد؛ رفیعی، نسترن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. *نشریه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۲(۱)، ۱۸۲-۵۹.

قدیری، مجتبی، (۱۳۷۹). سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران, ۱۵۶(۴۴), ۱۵-۱۱.

کلانتری، خلیل؛ چوبچیان، شهلا. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران: اقدامات و چالش‌ها. *نشریه جامعه‌شناسی*، ۵(۱)، ۱۱۴-۹۷.

گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه. (۱۳۹۹). منتشره توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه.

متقی، سمیرا. (۱۳۹۶). واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران (رویکردی بر برنامه‌های توسعه). *نشریه مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۱۰)، ۲۰۵-۱۸۳.

ملکی، سعید؛ حسینی، نبی‌اله. (۱۳۹۵). سطح‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ شاخص‌های توسعه

با استفاده از تکنیک فازی. *نشریه فرهنگ ایلام*، ۵۰(۱۶)، ۹۷-۱۱۴.

Bhatia, V. K., & Rai, S. C. (2004). Evaluation of socio-economic development in small areas. *Indian Society of Agricultural Statistics, IASRI Campus, Library Avenue, Pusa, New Delhi*, *110*, 012.

Drolet, J. L., & Sampson, T. (2017). Addressing climate change from a social development approach: Small cities and rural communities' adaptation and response to climate change in British Columbia, Canada. *International Social Work*, *60*(1), 61-73.

Miron, D., Dima, A. M., & Vasilache, S. (2009). Indexes of regional economic growth in post-accession Romania. *Romanian Journal of Economic Forecasting*, *11*(3), 138-152.

Niembro, A., & Sarmiento, J. (2021). Regional development gaps in Argentina: A multidimensional approach to identify the location of policy priorities. *Regional Science Policy & Practice*, *13*(4), 1297-1327.

Pike, A., Rodríguez-Pose, A., & Tomaney, J. (2016). *Local and regional development*. Routledge.

Piskun, E. I., & Khokhlov, V. V. (2019). Economic development of the Russian Federation's regions: factor-cluster analysis. *Ekonomika Regiona= Economy of Regions*, (2), 363.

Palevičienė, A., & Dumčiuvienė, D. (2015). Socio-economic diversity of European regions: finding the impact for regional performance. *Procedia Economics and Finance*, *23*, 1096-1101.

Plummer, P., Tonts, M., & Martinus, K. (2014). Endogenous growth, local competitiveness and regional development: Western Australia's Regional Cities, 2001-2011. *Journal of Economic & Social Policy*, *16*(1), 146-176.

Shankar, R., & Shah, A. (2009). Lessons from European Union policies for regional development. *World Bank Policy Research Working Paper*, (4977).

Šabić, D., & Vujadinović, S. (2017). Regional development and regional policy. *Zbornik radova-Geografski fakultet Univerziteta u Beogradu*, (65-1a), 463-477.

Soares, J. O., Marquês, M. M. L., & Monteiro, C. M. F. (2003). A multivariate methodology to uncover regional disparities: A contribution to improve European Union and governmental decisions. *European Journal of Operational Research*, *145*(1), 121-135.